

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و برزنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

شبهانگ راد

۲۲ فبروری ۲۰۲۱

سوءاستفاده از آرمان و راه سیاهکل

حواشی پنجاهمین سالگرد سیاهکل، میدان مجازی پُر از اظهار و نظر، برگزاری مراسم و کمپین‌های اینترنتی بوده است. از راست راست، تا چپ راست، این‌روز را گرمی داشته و هر یک به نوعی آن‌را، از آن خود دانستند. البته از قلم نباید انداخت که در این‌بین سازمان‌ها و جریاناتی که کمترین تعلق سیاسی - تئوریک با سیاهکل نداشتند، این‌روز را - به‌دلیل روز راه‌اندازی مبارزه مسلحانه علیه رژیم سرایا مسلح شاهنشاهی - پاس داشتند. طبیعتاً قصد و مقصود متن، نه ورود به مواضع این‌دست جریانات، بلکه خطاب به آنانیست که قبل‌تر و در گفروپیچ‌های مبارزاتی، از آرمان و از راه فدائی دور شده‌اند و بعضاً به صف دشمنان طبقاتی کارگران و زحمت‌کشان پیوسته‌اند.

فراوان‌اند و بیشک نمی‌توان یک‌جا، به همه آن‌ها پرداخت. ولی انتخاب فعلی به موضع‌گیری «سازمان فدائیان خلق ایران اکثریت» برمی‌گردد. «سازمان»ی که علی‌رغم کوله‌باری از سازش، همکاری و مقابله با جنبش‌های مسلحانه توده‌ای و کمونیستی همچون جنبش مسلحانه خلق کُرد، ترکمن‌صحرا و اتحادیه کمونیست‌ها در آمل، و نیز گشت‌زنی و همراهی با سپاه پاسداران و بسیج در خیابان‌های ایران برای به دام انداختن کمونیست‌ها، مبارزان و مخالفان، به تجلیل از این‌روز پرداخته و در همان حال «سازمان» خود را از زمره پرچمداران و ادامه‌دهندگان جنبش سیاهکل می‌داند!!

واقعاً غم‌انگیز است و این‌روزها به‌دلیل نبود سازمان کمونیستی در درون جامعه، تفکیک رنگ‌های اصلی - منظور شناسائی و فهم سیاست‌های عملی در برابر رژیم سرایا مسلح -، کمی مشکل شده است و جریان‌های بی‌خاصیت و سازش‌کاری همچون «اکثریت» و حواشی آن، به میراث‌داران راه سیاهکل تبدیل شده‌اند. جدا از یابوگوئی‌های «سازمان اکثریت»، از چپش گرفته تا راستش، دودوزهباز و کلاش‌اند. «چپ» آن، شرمنده از بازگوئی حقیقت و توضیح نقش خود، در دوستی و در همکاری‌های عملی با نهادها و ارگان‌های وابسته به نظام جمهوری اسلامی‌ست، و راست آن در فکر احیاء، شکوفائی و شرکت در انتخابات آتی ریاست جمهوری سال ۱۴۰۰ نظام است! در هر صورت و علی‌رغم دعوا و مرافعه بی‌مایه درونی، تفاوتی باهم ندارند و همه از یک خانواده‌اند. به طور نمونه در اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و «به مناسبت پنجاهمین سالگرد روی‌داد حماسی سیاهکل» می‌خوانیم: «۵۰ سال از آن روزهای عزم و رزم می‌گذرد و ما هنوز هستیم و پای در راه آرمان‌های بزرگ بنیانگذاران جنبش فدائیان خلق ایران داریم. سازمان ما ادامه‌دهنده بی‌گسست مبارزه و آرمان‌های دیرین بنیانگذاران جنبش و سازمان فدائیان خلق ایران

در این پیکار ۵۰ ساله بی‌وقفه است. ما فدائیان خلق، هنوز هم بر آن میثاقی پای‌بندیم که با گام‌نهادن در این راه بلند با مردم و با آزادیخواهان ایران در برابر دیدگان تاریخ بسته‌ایم».

عجبا! ۵۰ سال، «سازمان اکثریت» همان راهی را رفته است که بنیانگذاران آن پای ریختند؛ ۵۰ سال بی‌وقفه ادامه‌دهنده آن آرمانی‌ست که خشت آن را تعدادی از کمونیست‌های صدیق و وفادار به آرمان کارگران و زحمت‌کشان پی ریختند؛ ۵۰ سال متعهد به راه و آرمانی‌ست که تاریخ به عهده سازمان مدافع مردمی گذاشته است! برآستی حکایت و داستان عجیب و غریبی‌ست و ریاکاری، مقدار و اندازه‌ای ندارد. به هر حال ادعاها را نباید جدی گرفت و واقعیات و تجارب تلخ و ناگوار را ملاک قرار داد و همچنین به کارنامه سازمان‌های دغل‌کاری همچون سازمان اکثریت نظری انداخت و آن وقت آسان‌تر می‌شود پی بُرد که این‌شکل تلاش‌ها، تف‌سربالا و در حقیقت لجن‌مال کردن بیش از پیش ماهیت‌گنبد سازمان خودی‌ست؛ «سازمان»ی که در تخالف با ایده نوین بنیانگذاران سازمان قرار گرفت و از همان آغاز و در همراهی با رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی، به قلع و قمع اعتراضات کارگران و زحمت‌کشان پرداخته و متعاقباً بر بار جنگ خانه‌خراب امپریالیستی ایران و عراق افزوده است؛ اضافه‌تر «سازمان»ی که در به در و در چهارچوب سیاست مالک و مستأجر، در پی شناسائی و کشف خانه‌های مخفی، دستگیری کمونیست‌ها، مبارزان و مخالفان بوده است؛ «سازمان»ی که به همراه سپاه و بسیج نقش فعالی در سرکوب اتحادیه کمونیست‌ها در جنگ آمل داشته است...

آری، «سازمان اکثریت» با حمل چنین کارنامه «درخشانی»ست که این‌روزها بیراق‌دار منش و راه پُر افتخار چریک‌های فدائی خلق دوران ستم‌شاهی شده است. دست‌انداکاران «سازمان اکثریت» به‌خیال خود بر آنند تا با وارونه جلوه دادن بدرفتاری‌ها و بدکرداری‌های سیاسی‌شان، ذهن نسل جوان امروزی را از آنچه که در دوران سپاه و سرکوب انجام داده‌اند، منحرف سازند؛ بر مبنای چنین تفکری و با ترکیبی از گرایش‌ات متفاوت، در ۵۰مین سال‌گرد سیاهکل به‌میدان آمده‌اند تا پرستیژ سیاسی و حقه‌بازهای‌شان را روتوش کنند.

فارغ از آنچه در بالا آمده است، به‌طور یقین برای بازشناسی «سازمان اکثریت» می‌شود از چند جهت پرونده سیاسی آن را ورق زد. ولی قبل از هر چیز ذکر این‌نکته بی‌فایده نیست که هدف از برخورد با آن، نه «انتقاد - اتحاد»، بلکه به‌معنای توضیح چندین‌باره سیاست‌های بغایت غیر انسانی و ضد مردمی «سازمان» و به خصوص در خدمت به زنده نگه داشتن حافظه تاریخی‌ست. چرا که از همان آغاز بر سر کار گماری نظام جمهوری اسلامی، تکلیف سیاسی خود را با میلیون‌ها کارگر و زحمت‌کش روشن کرده و علناً و عملاً در خدمت به سیاست‌های امپریالیستی قرار گرفته است. پس برای روکردن بیش از پیش اخلاق و منش سیاسی «سازمان اکثریت»، لازم است تا آن را - به‌طور خلاصه -، به چهار دوره تقسیم کرد.

اول غضب سازمان توسط نالایق‌های سیاسی همچون نگهدارها و کشتگرها؛ دوم همپاری و همکاری تنگاتنگ با سرکوب‌گران و دولت‌مداران جمهوری اسلامی در تعرض به کمونیست‌ها، زندانیان سیاسی و دیگر جنبش‌های مسلحانه تودمئی؛ سوم مخالفت و در حقیقت طرد آن توسط نظام و آن‌هم به عنوان سازمان بی‌مصرف. و سرآخر پی‌گیری سیاست‌های پیشین - یعنی «انتقاد - اتحاد» با بخش‌هایی از نظام - در خارج از کشور است.

در بخش اول، یعنی غضب سازمان و به ویژه در گوران جنبش‌های کارگری و تودمئی سال‌های ۵۶ و ۵۷ توسط عناصر بی‌مصرف و بی‌مایه‌ای همچون نگهدارها و کشتگرها، زبانزد همه و به ویژه هواداران وقت سازمان است. رُسوخ موزیانه به‌درون سازمان و تغییر خط‌مشی مبارزاتی آن، پیش درآمد تغییر موضع آرمان رزمندگان سیاهکل بود. زمانی‌که مردم و نیروهای جوان کمونیستی، دور و بر سازمان، در انتظار سمت‌وسو دادن جنبش‌های اعتراضی

کارگران، زنان، دانشجویان و دیگر خلق‌های ستمدیده به مسیر سازنده بودند، رهبران آن به بهانه «به روز» کردن تئوری، خطِ بطلان به افکارِ رزمندگان سیاه‌کل کشیده‌اند که اثرات مخربِ آن همچنان، در عرصه‌های متفاوت بر روی جامعه و بر دوش هزاران هوادار سنگینی می‌کند. خطِ سیاسی گذشته از جانب رهبری وقت به کنار گذاشته می‌شود و تصفیه‌های سازمانی در دستور کار قرار می‌گیرد، قرارومدارها و بده و بستان‌های تشکیلاتی تنظیم و در فردای قیام «سازمان فدائیان» را، به سازمان بی‌مصرف و به اربابِ سیاست‌های امپریالیستی در درون جامعه تبدیل می‌سازد.

دوم، اجابت به سیاست‌های خمینی و دار و دسته‌های تازه به قدرت رسیده، و متعاقباً انتسابِ خلق‌های ستمدیده گرد، ترکمن و کمونیست‌ها به «اشرار مسلح» و «ضد انقلابیون»، از دیگر سیاست‌های «به روز» شده «میراث‌داران» جنبش فدائی را تشکیل می‌داد! آشکار شد که سردمداران نظام از همان آغاز کمر به نابودی جنبش‌های حق‌طلبانه بستند؛ تحمیل جنگ خونین و حمله به گُردستان و ترکمن‌صحرا تحت عنوان «مبارزه با اشرار»، توپ و خمپاره‌باران، گشت و گشتار جوانان و کودکان، تخریب خانه و کاشانه محرومان آن‌هم در سه ماهه اول بر سر کار گماری رژیم جمهوری اسلامی از یک‌طرف، همکاری‌های سیاسی - عملی رهبری وقت «سازمان فدائیان» با نظام از طرف‌دیگر قابل انکار نیست. مگر نسلِ آن‌زمان فراموش کرده است که چگونه «سازمان اکثریت»، کمر به نابودی بدیهی‌ترین خواست‌های متعرضان و دست‌آوردهای قیام کنندگان سال‌های ۵۶ و ۵۷ بسته است؛ مگر فراموش کرده است که چگونه آموشدهای نمایندگان نظام با نمایندگان «سازمان اکثریت» شکل تازه‌ای به خود گرفت و رفته‌رفته رهبری سازمان را به بدنه بی‌اختیار نظام، و نیز به نیروی سد کننده جنبش مسلحانه خلق گرد و ترکمن‌صحرا تبدیل کرد؛ مگر فراموش کرده است که چگونه «سازمان اکثریت» بر طبل جنگ امپریالیستی ایران و عراق کوبید و هزاران جوان و توده را طعمه سیاست‌های جنگ‌افروزان سردمداران نظام جمهوری اسلامی کرد؛ مگر فراموش کرده است که چگونه و در زمانی که شعله‌های جنگ انقلابی و تودم‌نی در سنده و دیگر نقاط گُردستان، و متعاقباً ترکمن‌صحرا علیه ضد انقلاب حاکم بر افروخته شد، «ادامه‌دهندگان راه بنیان‌گذاران سازمان»، فکر و ذکرشان پس زدن جنبش مسلحانه تودم‌نی بود. متأسفانه چهل سال است که از آن‌زمان می‌گذرد، و در همان حال چهل سال است که نه «سازمان اکثریت»، بلکه لمیدگان جنبش فدائی، حاضر به توضیح میزان ارتباط سازمان با دولت، و به ویژه حاضر به توضیح دقیق وظایف محوله از جانب رهبری وقت سازمان، پیرامون تخطئه جنبش مسلحانه گُردستان و ترکمن‌صحرا نیستند. به دیگر سخن همه بدرجات متفاوت، در پی استتار حقایق از دیده مردم و نسل جوان امروزی‌اند. مؤلفه‌هایی که مغایر با افکار و با منش رزمندگان سیاه‌کل است. پس لازم و ضروری‌ست تا تاریکی‌های سیاسی - عملی را با شفافیت تمام و آن‌هم به دور از منافع حقیر شخصی، برای جامعه و برای تمامی جویندگان راه رهائی توضیح داد و هراسی از بیان واقعیات به دل راه نداد. نسل جوان امروزی باید بداند که سازمان اکثریت به چه میزان، در تحکیم نظام جمهوری اسلامی، در گشت و گشتار توده‌های ستمدیده و در دستگیری و سرکوب نیروهای کمونیستی و انقلابی نقش داشته است. اگرچه فعالیت‌های ضد انقلابی «سازمان اکثریت» صرفاً به دهه اول حاکمیت نظام جمهوری اسلامی خلاصه نمی‌شود و در واقع گند و کثافات سیاسی «اکثریت»، آن‌قدر زیاد است که با هیچ ماده‌ای نمی‌شود آن‌ها را پاک کرد. «سپاه پاسداران را به سلاح‌های سنگین مسلح کنید» و دخیل بستن به جناح‌های «ملایم» تر نظام، از دیگر «دست‌آوردهای پُرمایه» «سازمان اکثریت» برای جامعه و نیروی جوان آن‌زمان و بعدها بوده و هست.

در مبحث سوم، اکثریت بساط سیاسی خود را در جلسه با «حزب توده» در درون جمع، و در ادامه ارتباط مستقیم خود را با نظام قطع کرد. البته قطع رابطه نه به دلیل تغییر و چرخش سیاسی «سازمان اکثریت» نسبت به ماهیت نظام، بلکه در تغییر روش بعضاً سردمداران رژیم، با جریاناتی همچون «حزب توده» و «سازمان اکثریت» بوده است. چرا که به

عقیده بعضاً سران نظام جمهوری اسلامی، تاریخ مصرفِ جریان‌اتی همچون «حزب توده» و «اکثریت» به سر رسیده و بیش از آن، حاضر به ادامه همکاری و همیاری با این‌دست جریانات نبُودند. خلاصه چند سالی، [و بنابه اسناد موجود، گفته‌ها و نوشته‌ها از طرف «سازمان اکثریت»، «حزب توده» و حواشی آن‌ها]، طول کشید تا این دو جریان، خلاف میل و رغبت‌شان بساط سیاسی خود را در ایران جمع و تحت عنوان عقب‌نشینی و انتقال رهبری مؤثر و شناخته، به افغانستان و به تاشکند نقل مکان کنند که بدون شک ورود و پرداختن به آن دوران، مثنوی هفتاد من کاغذ است.

سراخر و مبحث چهارم، «ناخدا»، کشتی سراسر چرکین را به سمت کشورهای اروپائی هدایت کرد و این‌بار هم به مانند گذشته، سیاست و منفعت خود را با بخش‌هایی از نظام همچون «اصلاح‌طلبان» حکومتی رقم زد. حمایت از خاتمی، موسوی و غیره و نیز ورود به صندوق‌های رأی‌گیری نظام در دوران متفاوت از دیگر کارکردها و ماحصل سیاست‌های منطبق با «آرمان بُنیان‌گذاران سازمان» است؛ «میثاق» با آرمان مردمی‌ست که رزمندگان سیاه‌کل پیشه خود ساختند! ولی بدون کمترین دلی می‌شود گفت که آن رفقاء [کمونیست‌های دهه چهل] سرشان به میلیون‌ها کارگر، زحمت‌کش و دیگر قربانیان نظام امپریالیستی وصل بُود، اینان [«سازمان اکثریت» و حواشی آن] سرشان به بالا و به جناح‌های متفاوت نظام امپریالیستی وصل بُوده و هست. پس تفاوت بسیار زیادی بین این دو رفتار و کردار است. بنابراین بی‌علت هم نبوده است که منادیان سرمایه در دوره‌های متفاوت، با افتخار به پای صندوق‌های رأی‌گیری نظام در خارج از کشور رفتند و در ادامه در فکرِ پرونق‌تر کردن انتخابات آتی ریاست جمهوری در سال ۱۴۰۰ هستند.

خلاصه، هیچ دوره‌ای پرونده «سازمان اکثریت» خالی از همیاری، همکاری و همسویی با سیاست‌های نظام امپریالیستی حاکم بر ایران نیست. این «سازمان» به زائده نظام جمهوری اسلامی تبدیل و مخالف تحقق خواسته‌ها و منافع میلیون‌ها کارگر، زحمت‌کش، زنان، جوانان و دیگر قربانیان نظام امپریالیستی‌ست. پس لازم و بجاست هم سیاست گذشته و هم به روش را افشاء کرد و بیش از این اجازه نداد تا دشمنان طبقاتی کارگران و زحمت‌کشان و حامیان مناسبات سرمایه‌داری، افکار نسل جوان امروزی را منحرف و تاریخ سراسر نکبت‌بار خود را به گونه‌ای دیگر به خُورد جامعه دهند.

۲۱ فبروری ۲۰۲۱

۳ اسفند [حوت] ۱۳۹۹